

## «مقاومت» دریچه اصلی تعامل ناشران ایرانی و عراقی

بسیاری در عراق محبوبیت بین‌المللی دارند، اساسا زبان عربی آمیخته با ادبیات است و این مساله در عراق نیز دیده می‌شود، لذا به نظر من انتخاب عراق به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه انتخاب قابل تاملی بوده است.

وی ادامه داد: البته ممکن است که عراق تعاملات بین‌المللی بالایی در حوزه کتاب نداشته باشد، اما تعاملاتش درون منطقه عربی و کشورهای عربی خوب است، در نمایشگاه‌های کتاب عراق، کشورهای بسیاری از جهان عرب حضور دارند و این خود اهمیت نمایشگاه کتاب عراق را بالا می‌برد. بهرامی رمان و ادبیات داستانی را یک گزینه معتبر برای ارتباط بین دو ناشران دو کشور ایران و عراق دانست و افزود: با توجه به مختصات رمان‌های ایرانی و ادبیات داستانی ایران به نظر می‌رسد که شانس موفقیت در بازار عراق برای ما بالاست، از سوی دیگر اگر بتوانیم ترجمه‌های خوبی از ادبیات عراق را وارد بازار ایران کنیم، با توجه به قابلیت‌های ادبی زبان عربی، قطعاً این آثار نیز با استقبال مواجه می‌شود. اگر ترجمه آثار ما به زبان عربی متن فاخری نباشد و ترجمه خوبی انجام نشود، طبیعتاً این بازار موفق نخواهد بود.

بهرامی محور مقاومت را دیگر مساله مشترک میان عراق و ایران عنوان کرد و گفت: مقاومت فصل مشترک ایران و عراق در دفاع از حرم بوده است، مساله مقابله با داعش و استکبار جهانی و مساله دفاع از فلسطین و مقابله با اسرائیل در عراق نیز مانند ایران

بسیار پررنگ است، این فضا نیز قابلیت کار کردن دو طرفه در حوزه نشر را داراست. فعالیت برخی از ناشران حشدالشعبی عراق در این زمینه بسیار پررنگ است. وی یکی دیگر از مسائلی را که می‌توان محور تعامل با ناشران عراقی قرار داد، مساله سبک زندگی دانست و گفت: در فضای سبک زندگی، خانواده، مسائل والدین وفرزندان از جمله فضاهایی است که در نشر عراق خلاء جدی وجود دارد، ما در این زمینه آثار جدی و قابل توجهی داریم که می‌توان سرمایه‌گذاری جدی برای ورود ما به بازار نشر عراق باشند.

به گفته مدیر آژانس ادبی نخل سبز،

# دنیای بی مطالعه جای ماندن نیست!

هنری، اینجا جایی است که هنر و ادبیات در هم می‌آمیزند. بیایید و در این جشنواره فرهنگی غرق شوید!

مطالعه می‌تواند همچون یک پناهگاه باشد. با حضور در این نمایشگاه، شما به ترویج فرهنگ کتابخوانی کمک می‌کنید. هر کتابی که انتخاب می‌کنید، گامی به سوی ساختن دنیایی بهتر و آگاه‌تر است.

یادگیری از گذشته، ساختن آینده کتاب‌ها تنها در مورد داستان‌ها نیستند؛ آن‌ها پل‌هایی به سوی آینده هستند. با مطالعه و یادگیری از تجربیات دیگران، می‌توانیم نسلی آگاه‌تر و خلاق‌تر بسازیم.

سی و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب، دوازدهمین سالگرد تأسیس فرهنگت‌انگیز کلمات و داستان‌ها. بیایید با هم در این سفر ادبی شرکت کنیم و دنیای جدیدی از دانش و خلاقیت را کشف کنیم. در اینجا، هر صفحه‌ای که ورق می‌زنید، فرصتی است برای یادگیری و الهام. پس با ما همراه شوید و به این جشنواره فرهنگی بی‌نظیر خوش آمدید! ویژگی‌های خاص نمایشگاه

حضور ناشران داخلی و خارجی

این نمایشگاه فرصتی است تا با ناشران معتبر داخلی و بین‌المللی آشنا شوید و از آخرین عناوین و آثار آن‌ها باخبر شوید.

برنامه‌های ویژه برای کودکان و نوجوانان

با برگزاری کارگاه‌ها و فعالیت‌های جذاب، این نمایشگاه فرصتی عالی برای تشویق نسل جوان به مطالعه و خلاقیت است.

پنل‌های تخصصی و نشست‌های علمی

مدیر آژانس ادبی نخل سبز با اشاره به حضور عراقی‌ها در نمایشگاه کتاب تهران می‌گوید: ظرفیت ورود به بازار عراق برای نشر ایران مهیاست فقط باید، دریچه‌های درستی را انتخاب کنیم، مقاومت یکی از این دریچه‌هاست که می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد.

حسین بهرامی، مدیر انتشارات و آژانس ادبی نخل سبز با اشاره به حضور عراق به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب تهران و ارزیابی بازار نشر این کشور برای تعامل میان ناشران ایرانی و ناشران عراقی گفت: عراقی‌ها بسیار کتابخوان هستند، از قدیم یک مثلی معروف بود بین جهان عرب که مصر تالیف می‌کند، لبنان چاپ می‌کند و عراق می‌خواند به نظر می‌رسد، همچنان این فضا وجود دارد. نمایشگاه‌های کتاب در عراق هم‌والمو ملو از مخاطب هستند، هم در نجف، هم در بغداد و هم در سلیمانیه و کربلا. نمایشگاه‌های کتاب پر از کتاب و مخاطب است، حضور ناشرانی از کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که عراق هم‌چنان نقش مهمی در منطقه دارد.

بهرامی گفت: عراق نزدیکی فرهنگی زیادی با ما دارد، عمده آثاری که در ایران منتشر می‌شوند، درصدموفقیت بالایی در عراق در مواجهه با مخاطب دارند، اساسا جامعه عراق مثل جامعه ایران یک زمینه مذهبی خوبی دارد، از سوی دیگر عراق بزرگان زیادی در ادبیات داستانی دارد، نویسنده‌ها و شعرای

وزیر ارشاد همراه با محمداقبر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با حضور در محلی امام خمینی (ره) از غرفه‌های سی و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کردند. وقتی که کلمات به سخن درمی‌آیند و داستان‌ها جان می‌گیرند، دنیای کتاب به ما خوشامد می‌گوید. سی و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نه تنها یک رویداد، بلکه یک سفر به قلب ادبیات است. در اینجا، کلمات و افکار به هم پیوند می‌خورند و دنیایی از خلاقیت و الهام را به وجود می‌آورند.

چرا باید در این جشنواره ادبی شرکت کنید؟

کشف دنیای ناشناخته‌ها

به محض ورود به نمایشگاه، دنیایی از عناوین و نویسندگان در انتظار شماست. از رمان‌های پر فروش گرفته تا کتاب‌های یادیده‌گرفته‌شده، هر گوشه‌ای از این فضا پر از شگفتی است. آیا آماده‌اید تا با نویسندگانی ملاقات کنید که داستان‌هایشان قلب‌ها را تسخیر کرده است؟

گفتگو با ذهن‌های بزرگ

اینجا فقط یک نمایشگاه نیست؛ اینجا جایی است که ایده‌ها شکل می‌گیرند و گفتگوها آغاز می‌شوند. با اندیشمندان، نویسندگان و هنرآفرینان در مورد دنیای ادبیات و چالش‌های آن بحث کنید. این فرصت را از دست ندهید که در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنید و از تجربیات آن‌ها بهره‌مند شوید.

تجربه‌ای فراتر از کلمات

نمایشگاه کتاب فضایی است برای جشن گرفتن خلاقیت. از نمایش‌های زنده گرفته تا فعالیت‌های

**می‌خواهی به طواف کعبه بروی و پس از آن در مقام ابراهیم(ع) بایستی و نماز یغوانی و حاجی شوی؟... پس بدان که طواف نکردی و نماز ابراهیم نخوانده‌ای، اگر از سر و باطن این اعمال آگاه نباشی و اگر ندانی که با جای پای انبیا و اولیا و ابراهیم (ع) گذاشته‌ای؟**

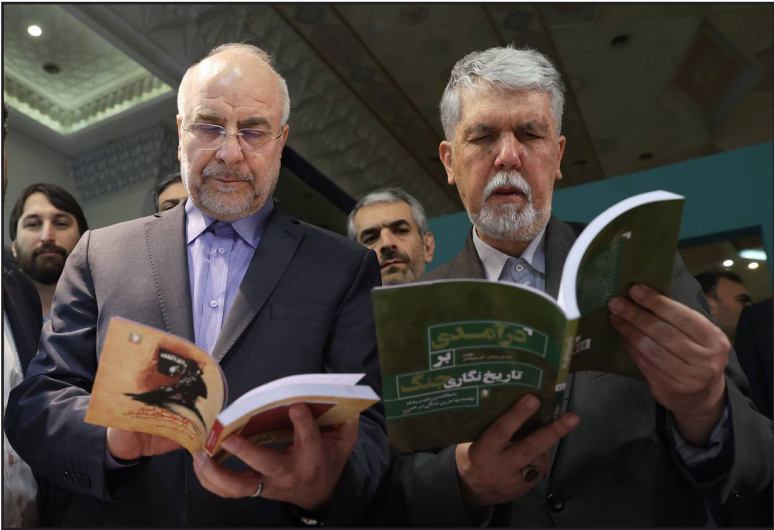
یک حج است و هزار رمز و رازی که در هر بخش از اعمال و مناسک این فریضه نهفته است. از احرام بستن و لبیک گفتن زائر گرفته تا دست دراز کردن به سوی حجرالاسود و ایستادن بر مقام ابراهیم و گردیدن دور خانه خدا...

ایستادن بر مقام ابراهیم بخشی از همین مراحل و مناسک حج است که ظاهری دارد و رمز و راز و باطنی. ظاهرش در دین آمده و باطنش از زبان معصوم (ع) بیان شده است. اگر زائر هستی و می‌خواهی به مقام حاجی نائل شوی و اوج بگیري و با سفر حج به معراج بروی، باید به راز آن گاه شوی و سپس رو به آن مقام والا بیاوری.
ظاهر مقام ابراهیم (ع) اما اینگونه است که: به محل ایستادن حضرت ابراهیم (ع) مقام ابراهیم می‌گویند و سنگی است به طول و عرض ۴۰ سانتی‌متر و بلندی تقریبی ۵۰ سانتی‌متر که جای پای ابراهیم روی آن است و مقابل در کعبه قرار دارد. رنگ آن میان زرد و قرمز متمایل به سفید است. طبق اعتقادات مسلمانان این مکان مربوط به زمانی است که حضرت ابراهیم دیوارهای کعبه را بالا می‌برد؛ آن گاه که دیوار بالا رفت، به اندازه‌ای که دست به آن نمی‌رسید، سنگی آوردند و ابراهیم روی آن ایستاد و سنگ‌ها را از دست حضرت اسماعیل گرفت و دیوار کعبه را بالا برد. روی این سنگ، اثر پای حضرت ابراهیم مشخص است اما اثری از انگشتان او نیست. از یک زمان به بعد این سنگ با قطعات پوشانده شد و در محفظه‌ای قرار گرفت تا آسیب نبینند. حج‌گزاران پس از طواف واجب، باید پشت مقام ابراهیم، ۲ رکعت نماز طواف به جای آورند. نماز طواف نساء نیز پشت مقام ابراهیم خوانده می‌شود. پس تو اصلا طواف نکردهای ...

باطنش و رازی که در خود پنهان دارد اما آن

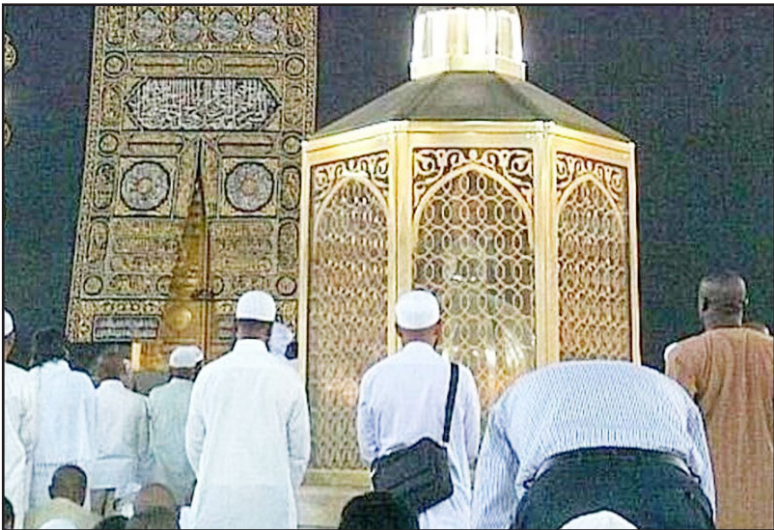


اگرچه ورود از دریچه شعر به دنیای نشر عراق دشوار است اما شعر فارسی نیز از ویژگی‌های قابل توجهی بهره برده است که توان یاری با فصاحت و بلاغت شعر عربی را دارد. به ویژه اگر در موضوع دقت نظر داشته باشیم و مسائلی مانند فلسطین و مقاومت را انتخاب کنیم، ما در نمایشگاه عراق، ترجمه عربی کتاب «خاکستر گنجشک‌ها» اثر حامد عسکری را عرضه کردیم، به حدی استقبال بالا بود که برای خود ما نیز جالب بود، این نشان می‌دهد که ظرفیت ورود به بازار کتاب عراق مهیاست فقط باید دریچه‌های درستی را انتخاب کنیم.



«کتاب‌ها درهای جهان‌های جدید را می‌گشایند.» «کتاب، بهترین دوست انسان است، همیشه در کنار شماست و هرگز قصاصت نمی‌کند.» «یک کتاب خوب، دوستی است که هرگز ترک نمی‌کند.» «کتاب‌ها، پل‌هایی به سوی دانش و آگاهی هستند.» «کتاب، سفر به دنیایی است که در آن می‌توانیم هر جا که بخواهیم برویم.»

### سراج



که خلیل تو گفت: وجهت وجهی للذی فُطِرَ السماوات والأرض، من نیز ابراهیم‌گونه به هر طاعتی روی می‌آورم و از هر معصیتی روی بر می‌گردانم.»

امام سجاد (ع) سپس از شبلی پرسید: «و صلیت صلوة ابراهیم و اُرغمتْ أنف الشیطان/ ابراهیم‌گونه نماز خواندی؟ و دماغ شیطان را به خاک مالیدی؟» ...

این فرموده امام یعنی: آن کس که در حال نماز خواستش جمع نیست و خلوص و خضوعی ندارد، او به جای ابراهیم ناستانده است. کسانی که به اسرار حج و زیارت آگاه هستند، وقتی به مکه می‌روند و اطراف مکه طواف می‌کنند، لحظه به لحظه، قدم به قدم، آن مراسم و مواظف را گرامی می‌دارند، زیرا آنجا انبیا و اولیاء و ائمه پاگذاشته‌اند. آنها می‌گویند من به جایی پاگذاشتم که انبیا و اولیا و ائمه (ع) پا گذاشته‌اند. من به چیزی دست می‌زنم که انبیا و معصومین (ع) دست زده‌اند.

کسانی که به اسرار حج آشنا نیستند، اما معلوم نیست با چه حالی به مکه می‌روند، با چه قالی در مکه سخن می‌گویند، اینها اطراف کعبه‌ای می‌گردند که مشرکین هم اطراف آن

### ساز کار مواجه‌ی فرزندان باوالدین در خانواده‌ی مستبد



**دکتر مجتبی خندان**  
(پژوهشگر عرصه خانواده)

هر قیمتی شده است باید داماد را مجبور به پرداخت مهریه کنم، حتی اگر خدترم تا آخر عمر وصال گردنم باشد. تا آخر عمر کنیزی او را می‌کنم، ولی به این شرط که بتوانم داماد را محکوم کنم.» وقتی مادری را آن همه تجربه و گذر عمر تا این حد احساسی عمل می‌کند، پس چگونه از فرزندان انتظار داشته باشیم در تصمیمات خود بدون زمینه سازی، بر احساساتشان غلبه کنند.

مادری که درمانده شده بود و به هیچ یک از هدف های خود در تربیت دخترش نرسیده بود، می گفت: «من دربارہ ی تمیز و مرتب بودن، تحصیلات عالی و مناعت طبع دخترم بسیار مُصَز بودم، حساسیت خود را ابراز می کردم، از قدرت خود برای تأمین این اهداف استفاده می کردم و سخت گیر بودم. اکنون که دخترم ازدواج کرده و به خانہ ی بخت رفته است، درش را ادامه نداده است، زندگی مرتبی ندارد و خیلی هم ول خرجی می کند؛ یعنی به طور دقیق در کارهایی که تأکید بیشتری داشتم، ناموفق ماندم.»

نسل نو در برابر اقتدار والدین می ایستند و با استیلاي آنها مقابله می کنند. آنها بیش از نسل گذشته احساس می کنند که آزادی هایشان تهدید می شود و پدر و مادر موقعیت آنها را درک نمی کنند. آنها با بسیاری از موارد اینها واقعیت ندارد، ولی این احساس واقعیت دارد و فرزندان با آن زندگی می کنند. ما برای این کار راهکار مناسبی برای مقابله با ناهنجاری ها پیدا کنیم، باید خودمان را جای آنها فرض کنیم. آن گاه راهی را مطابق با مقتضای حال آنها و فضایی که در آن قرار دارند، پیدا کنیم، وگرنه فرزندان هنگامی که آزادی خود را در خطر می بینند، عکس العمل های تندی نشان می دهند.

۲. **تفرق، خشم و بدبینی**

اگر تربیت مرتبی با عشق، رغبت و آمادگی روانی و عاطفی همراه نباشد، بهترین پیام ها، رساترین حقایق و زیبارین مطالب، با مقاومت، اکراه و بیزاری همراه می شود.(۳)

عبدالعزیز قراطیبی می گوید: «نزد امام صادق (ع) رقتم و از گفتار و رفتار نابسندها برخی شیعیان سخن گفتم». آن حضرت فرمودند: «ای ابی عبدالعزیز، ایمان به مثابه ی نردبانی است دارای دو پله، که از آن پله پله می روند. مباد کسی که دو پله را پیموده به کسی که یک پله را بالا رفته، بگوید تو چیزی نیستی و مباد کسی که سه پله را پیموده به کسی که یک پله را بالا رفته، بگوید تو چیزی نیستی و مباد کسی که سه پله را پیموده به کسی که از دو پله بالا رفته بگوید تو چیزی نیستی و...» سپس فرمود: «مسلمان در همین پله، ایوبدر آن نهمین و مقداد در هشتمین پله قرار داشت. ای عبدالعزیز، آن گاه که کسی را پایین تر از خود در درجات ایمانی دیدی، با مدارا و را بالا بکش و هرگز او را به چیزی که طاقت ندارد، اجبار نکن که او را شکسته و ناتوان ساخته ای. چون هنگامی که تو با شتر تازه از شیر گرفته شده همچون شتر هشت ساله رفتار می کنی، او را از بین می بری ☹️(۴)

در حدیث دیگری امام صادق (ع) نقل می فرمایند: مردی بود مسلمان و عابد، و همسایه ای داشت مسیحی که با او رفت و آمد می کرد تا اینکه او کم کم به اسلام تمایل پیدا کرد و به دست عابد، مسلمان شد. مرد عابد به خیال خودش می خواست او را خیلی مسلمان کند و خیلی به ثواب برساند. مسیحی تازه مسلمان شده، در اوان مسلمانی، درون خانه ی خود در خواب ناز بود که قبل از طلوع صبح کسی در خانه اش را زد. آن مسیحی سؤال کرد: کیستی؟ پرسید: این وقت شب چه کاری پیدا کرده ای؟ عابد گفت: همسایه ی مسلمان توام. مسیحی پرسید: این وقت شب چه کاری پیدا کرده ای؟ عابد گفت: آمده ام که با همدیگر برای عبادت به مسجد برویم. بیچاره مرد مسیحی از بستر استراحت بلند شد، وضو گرفت و به مسجد رفت. [پس از خواندن نماز نافله] از عابد سؤال کرد که آیا عبادت تمام شد؟ عابد گفت: نه، نماز صبحی هم هست که باید بخوانیم. آنها نماز صبح را هم خواندند.

وقتی نماز تمام شد، عباد به مسیحی تازه مسلمان شده گفت: خوب است نافله بخوانیم تا این الطوعین را بیدار بمانیم و از برکات آن بهره ببریم. پس از طلوع آفتاب از یکدیگر جدا شدند. ظهر که شد دوباره او را برای نماز ظهر خبر کرد و تا عصر نیز او را نگه داشت. این داستان شب هم تکرار شد. فردا صبح که عابد به در خانه ی تازه مسلمان شده رفت و در زد، او گفت: کیستی؟ عابد گفت: من برادر مسلمان تو هستم. سؤال کرد: برای چه آمده ای؟ عابد گفت: آمده ام تا با هم برای عبادت برویم. مسیحی تازه مسلمان شده گفت: این برای آدم های بیکار خوب است، بشیمان شدم و سراغ دین خود رقتم. پس از نقل این داستان، امام صادق(ع) فرمود: این جور نباشید. این شخص آدمی را مسلمان کرد و بعد به دست خودش او را مرتد و کافر کرد. خیلی از کارهای ما در امر تربیت می تواند نفرت را باشد و فرزندان ما را از اسلام متصرف کند.(۵)

**ادامه دارد.....**

در خانواده هایی که زیاد از قدرت استفاده می کنند، بر تنبیه زیاد تکیه می کنند، اجبار و الزام بسیار دارند، خودرأی و مستبدند و شتاب زنده عمل می کنند، فرزندان برای کنار آمدن با قدرت والدین، به این مکانیسم ها رو می آورند:

۱. **مقاومت و طغیان**
وقتی فرزندان از محتوای تربیت ناخشنود باشند، در برابر آن مقاومت و ایستادگی می کنند. یکی از عکس العمل های طبیعی آنها در برابر فشار و تحمیل بیرونی، مقاومت و انعطاف فاعلی است. فرزند ی که با اجبار، تحمیل و تنبیه، از به کار بردن کلمات زشت منع می شود، روحیه ی مقاوم پیدا کرده، بر عمل رشت خود پافشاری می کند. دانش آموزی که با اکراه معلم و مربی ملزم می شود قواعد اخلاقی را در کلاس رعایت کند، از خود مقاومت نشان می دهد و کمتر به نظر مربی اهمیت می دهد.

پژوهشگرانی همچون مادسن، بکر، توماس، کاسر و پلاگر در تحقیقات خود درباره ی دانش آموزانی که بدون کسب اجازه از معلم، از روی صندلی خود بلند می شوند و به اطراف کلاس می روند، به این نتیجه رسیدند که هر چه معلم بیشتر به دانش آموزان دستور می داد

سر جای خود برگردند، دانش آموزان به سخن او اهمیت کمتری می دادند و بیشتر جای خود را ترک می کردند.(۱)

انسان به گونه ای است که حتی در برابر فشار خود نیز مقاومت می کند، چه رسد به فشاری که از بیرون و از سوی مربی تحمیل شود. امام علی (ع) فرمودند: «برای دل های آدمیان علاقه و اقبال، و گاه تنفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید از طریق علاقه ی اشخاص وارد شوید؛ زیرا هنگامی که دل را به کاری مجبور کنید، نایبنا می شود.»(۲) یکی از شکایات های والدین، مکانیسم مقاومت فرزندان است که در مراجعه به کلینک مشاوره، بر آن تکیه کرده اند. پدري که از رفتار نامناسب فرزند رنجیده شده بود و هر چه برای او استدلال می کرد که رفتارش اشتباه است و به اصطلاح می خواست او را تربیت کند، او گستاخ تر می شد و صدایش را بلند می کرد، به او گفت: این حرف های چرند رو بس می کنی... یا پسر در پاسخ گفت: یا چچی؟ پدر: می زنم تو دهنمت تا دیگه این قدر بلبل زبونی نکن.

پسر: زود باش منو بزنی، راست می گی بزنی. پدر که به شدت عصبانی بود،سبلی محکمی به پسر زد و گفت: حالا دیگه برای من شاخ و شونه می کنی پسرک احمق؟

پسر: من هم می خواهی بزنی، ولی من حرف خودم رو می زنم.

باید بدانیم این مواجهه ی بی ثمر و پر خطر، همیشه به اینجا ختم نمی شود و ممکن است به حوادث محاسبه نشده ای منجر شود. فرار از منزل، آشنایی با دوستان ناباب... از آثار این نوع برخورد است. برخی فرزندان در این موقعیت ها مصمم می شوند به طور دقیق خلاف خواسته ی والدین خود عمل کنند؛، یعنی اگر از قبل چندان بر مخالفت با والدین مصمم نبوده و بیشتر فکر می کردند که چه کنند تا از محصمه ی مخالفت با آنها خلاص شوند، اکنون مصمم هستند که راه مخالفت را پیش گیرند و حاضرند هر بهایی را برای آن بپردازند.

نوجوانی که تا حدودی هوش و استعداد خوبی داشت، می گفت: پدر و مادر من بسیار به تحصیل من حساس هستند و مدام سفارش می کنند که باید نمره ی عالی بگیری. من حس می کنم آنها بیشتر به آرزوهای خودشان فکر می کنند و با نمره ی عالی من احساس خوش حالی می کنند، در حالی که من از آنجا که آنها با این نمره احساس خوش حالی و برد می کنند، انگیزه ی چندان ی برای درس خواندن ندارم و تلاش نمی کنم که نمره ی عالی بگیرم. با اینکه می دانم نمره ی عالی برای خودم نیز خوب است، ولی اینکه آنها به خواسته ی خودشان می رسند، مرا آزار می دهد.

جوانی که ادعا می کرد من می خواهم خودم باشم و آنچه را خودم دوست دارم انجام دهم، در برابر رفتارهای تند والدین خود دربارہ ی مدل موهایش، می گفت: من بیش از اینکه درباره ی زیبایی و زشتی موی خودم فکر کنم، من مسئله مرا به خود جلب کرده است که این همه اصرار والدین من برای چیست. گاه فکر می کنم اگر این قدر به من فشار نمی آوردند، بیش از اینکه به رفتار پدر و مادر فکر کنم، به موهایم فکر می کردم.

ممکن است گفته شود منطقی نیست که جوان به جای اینکه به آثار و پیامدهای رفتارش در زندگی خود بیندیشد، به انگیزه و اصرار والدین فکر کند. این حرف درستی است و از حقیقتی پرده بر می دارد، اما واقعیت این نیست. ما برای حذف رفتار منفی نمی توانیم واقعیت ها را نادیده بگیریم؛ درست است که باید به سوی حقایق برویم؛ اما تا زمانی که فرزند ما تلاقی جوانانه کاری را انجام می دهد و درگیر احساس خویش است، انتظار تغییر رفتار او واهی است. واقعیت این است که حتی بسیاری از پدر و مادرها احساسی عمل می کنند، گر چه درست نیست؛ پس چگونه ممکن است از جوانی که در اوج احساسات است، بدون اینکه زمینه های رفتار منطقی را برای او فراهم آوریم، توقع داشته باشیم بیندیشد و منطقی عمل کند.

مادری که دخترش در آستانه ی طلاق بود و دامان شی خواست بدون اینکه مهریه ی او را پرداخت کند، دختر را استیفا کند و در حالی که دختر را به صورت منطقی می خواست خود را نجات دهد، فرصت های خود را از دست ندهد و داشتن زندگی خوب برایش به حسرت تبدیل نشود، مادر می گفت: «به